

جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه

پیام روشنفکر*، محمد سعید ذکایی**

طرح مسأله: این مقاله مطابق مدل استون (Stone) مبتنی بر تفکیک ابعاد ساختاری و هنجاری در سنجش سرمایه اجتماعی، نشان می‌دهد چه ابعادی از سرمایه اجتماعی و در چه زمینه‌هایی می‌تواند مقوم گرایش‌ها و رفتارهای داوطلبانه جوانان باشد.

روش: استراتژی روش‌شناختی پژوهش مبتنی است بر استفاده از طرح ترکیبی از دو روش، علی - مقایسه‌ای برای بررسی متغیر داوطلبی در سطح رفتاری و روش پیمایش مقطع - عرضی برای شناخت و بررسی گرایش‌های داوطلبانه افراد و تاثیرگذاری عوامل زمینه‌ای موثر در هر دو سطح.

یافته‌ها: جنبه‌های هنجاری سرمایه اجتماعی (اعتماد و بده بستان) با کلیه گرایش‌های داوطلبانه رابطه مستقیم دارد. در سطح رفتاری، نمونه‌ای ۸۶ نفری از داوطلبان کمک به زلزله‌زدگان شهر بم (پنج‌م دی‌ماه ۱۳۸۲)، از سطح بالاتر سرمایه اجتماعی نسبت به نمونه هم‌حجم از دانشجویان غیرداوطلب برخوردار بودند. مقایسه بین دو سطح رفتار و گرایش نشان می‌دهد داوطلبان کسانی هستند که گرایش‌های اعتراضی - رادیکال بالاتری داشته و از اعتماد کمتری به نهادهای حکومتی برخوردارند.

نتایج: یافته‌های این پژوهش بیشتر منطبق با استدلال به کار رفته در آثار ادواردز و فولی (۱۹۹۷) است که در آن از دموکراسی به عنوان «نهاده‌سازی بی‌اعتمادی» تعبیر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جامعه مدنی، داوطلبی، دیگرخواهی، سرمایه اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۱۵/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۵/۸/۱۵

* کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی <roshanfekar.payam@gmail.com>

** دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

پیدایش فردگرایی توأم با تحولات تاریخی که به استقرار مدرنیته و صنعتی شدن جوامع انجامید، تأثیرات عمیقی بر رشد و تکوین اندیشه اجتماعی داشت و فهم پیامدها و دلالت‌های این پدیده از دغدغه‌های اصلی پیشگامان جامعه‌شناسی بوده است. در پی تک قطبی شدن جهان و گسترش نئولیبرالیسم، مسأله «بازگشت فردگرایی» و نگرانی از تهدید نفع‌طلبی‌های خودخواهانه و فردگرا، کاهش تعهدات شهروندی و مسئولیت اجتماعی، شخصی شدن گفتمان‌ها و پروژه‌های زندگی و به تعبیری از دست دادن تدریجی زبان مشترک باعث توجه مجدد به مسأله عمل جمعی در حوزه عمومی و رفتارها و گرایش‌های مقوم آن و از جمله رفتارهای داوطلبانه و دگرخواهانه شده است. در این رابطه ایده اصلی در یکی از رویکردها به نظریه سرمایه اجتماعی آن است که شبکه‌های اجتماعی بیشتر از شرایط متمیز شده و انفرادی ناشی از پی‌جویی نفع شخصی مردم را به همکاری و اعتمادپذیری تشویق می‌کند. در این دیدگاه همچنین سرمایه اجتماعی بر تمایلات، رفتارها و گرایش‌هایی دلالت دارد که برای ایجاد نهادهای جامعه مدنی و جهت‌گیری‌های اخلاقی دمکراسی مدرن اهمیت و ضرورت دارد. رشد فرهنگ مدنی که بر تحمل، عدالت و توازن میان حقوق و تعهدات استوار است بر اثر ذخیره دیگرخواهی تسهیل می‌شود. در این میان سرمایه اجتماعی مفهومی است که به تمایز بین هنجارهای اجتماعی و ساختارهای موجود در هر جامعه که زمینه‌ساز اعمال دگرخواهانه است، کمک می‌کند.

انباشت سرمایه اجتماعی و به تبع آن رفتارهای دگرخواهانه و داوطلبانه شهروندی در جامعه ایران، که بر اثر تاریخی پرآشوب و استبدادی مجال کافی برای تمرین دمکراسی و بسط حوزه عمومی نداشته، با مشکل مضاعفی روبرو است. در واقع مقاطع مختلف تاریخ ایران، فرصت‌هایی برای ایجاد و به فعلیت درآمدن این رفتارها بوده است که با وجود ظهور و بروز مقطعی آن‌ها، انباشت مستمری از این سرمایه که منجر به فرایند موثر و پایداری از توسعه در جامعه شود به سختی قابل بازشناسی است. امروزه جامعه ایران در ابعاد وسیعی شاهد فردگرایی منفی و غیرعقلانی است. علایم این بحران را در گره‌های کور

ترافیکی، تقلب‌های مالیاتی و رشد شاخص‌های ضدسرمایه اجتماعی می‌توان به روشنی دریافت (خاندوری، ۱۳۸۳: ۷۳). پژوهش‌های اخیر در خصوص ظرفیت سرمایه اجتماعی و ارزش‌های مشارکت‌جویانه در جامعه ایران نیز مؤید چنین فرضی است است (نگاه کنید به متوسلی و بی‌نیاز، ۱۳۸۲؛ تاجبخش و همکاران، ۱۳۸۲؛ شارع پور، ۱۳۸۰).

در حالی که نگرش اخلاقی نسل‌های آینده با ایجاد توازن بین منافع خود و دیگران مرتبط است و رشد اخلاقی جامعه در گذر از خودخواهی به دگرخواهی و درک صحیح شهروندی معنی می‌شود، در خصوص جوانان ایرانی نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که «تلقی عمودی از روابط و موقعیت شهروندی، ناآشنایی با حقوق اجتماعی و فرهنگی و نداشتن انتخاب در بازآفرینی مدل رفتاری مرجع جوانان، در تقویت انفعال و احساس حاشیه نشینی اجتماعی آن‌ها مؤثر است. از طرف دیگر، فردی شدن، استقلال‌طلبی، خردخرد شدن هویت، غیرخطی شدن مسیر گذار و تغییر اولویت و اهمیت مولفه‌های آن، کیفیت و میزان سرمایه اجتماعی که جوانان به عنوان یک گروه اجتماعی از آن برخوردارند، نقش مهمی در مرزبندی‌های آن‌ها از عرصه خصوصی و عمومی به دنبال آن، رفتار شهروندی آنان دارد (ذکایی، ۱۳۸۲: ۷).

این پژوهش در پی آن است تا براساس مباحث نظری مربوط به سرمایه اجتماعی، چارچوب مفهومی استدلالی را پی‌ریزی کند که مبتنی بر تمایز مفاهیم داوطلبی از سرمایه اجتماعی و تلقی پیامدی از رابطه این دو، تاثیر و نقش این سرمایه را در ارتباط با رفتارها و گرایش‌های داوطلبانه جوانان توضیح داده و به این سوال پاسخ دهد که آیا بهره‌مندی از سطوح تفاضلی سرمایه اجتماعی می‌تواند تبیین‌گر تفاوت گرایش‌ها و رفتارهای داوطلبانه افراد باشد؟

(۱) مبانی نظری

برای جوانان آتن در دوره سقراط هیچ چیز به اندازه این مسأله مهم نبود که بدانند فضیلت چیست؟ و بهترین حکومت کدام است؟ سوفسطائیان عقاید آن‌ها درباره خدایان المپ را

خراب کرده بودند، در نتیجه عقاید آنان در خصوص اخلاق نیز سست شده بود چرا که قسمت عمده ضمانت اجرای آن، ترس از این خدایان بی شمار بود که همه جا حاضر و ناظر بودند. طرفداری از منافع شخصی، اخلاق مردم آن را تا حد نابودی تضعیف کرد تا جایی که شهر طعمه اسپارتیان سخت و خشن شد (دورانت، ۱۳۸۰: ۱۰). بنیان‌های نوین اخلاق جامعه و مسأله نظم و صلح همان‌قدر که دغدغه سقراط بود توسط شاگردان وی نیز پیگیری شد. افلاطون «جمهوری» را مطرح کرد که در آن دوگانگی اخلاق فرد و حکومت رد شده بود. وی معتقد بود که «حکومت شبیه افراد خود است» و به این نتیجه رسیده بود که مطالعه و تحقیق درباره مسأله اخلاق به‌عنوان جزئی از ساختمان اجتماعی بهتر و آسان‌تر از آن است که مانند یک صفت شخصی مورد مطالعه قرار گیرد. «اگر ما بتوانیم جامعه درستی را توصیف کنیم، توصیف یک فرد درست، برای ما بهتر و آسان‌تر خواهد بود» (دورانت، ۱۳۸۰: ۱۰). در فلورانس قرن ۱۶ نیز که بازتاب‌دهنده تاریخ بی‌ثبات نهادهای جمهوری اعصار باستان و نیز ایتالیای عصر رنسانس بود [بر میراث افلاطون]، نیکولوماکیاولی (Machjaveli) و چند تن از معاصرینش به این نتیجه رسیدند که موفقیت یا شکست نهادهای آزاد به ویژگی «شهروندان» یا «فضیلت شان» بستگی دارد. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

این مکتب «جمهوری خواهی» انسان‌گرایان مدنی، بعدها مغلوب اندیشه هابز، لاک و جان‌شینان لیبرال‌شان شد. در حالی که جمهوری خواهان بر جامعه و تعهدات شهروندان تأکید می‌کردند لیبرال‌ها بر فردگرایی و حقوق فردی تأکید داشتند. پاتنام معتقد است که در سنت جمهوری خواهی مدنی، شهروندان می‌بایست قادر به فاصله‌گذاری کافی بین تقاضاهای خاص‌گرایانه خود و دیگران باشند تا توانایی برخورد عینی با خواسته‌های خاص‌گرایانه دیگران را داشته باشند. اشتراک در هویت مشترک شهروند با هویت انفرادی افراد به عنوان اعضاء گروه‌های قومی یا فرقه‌ای دیگر فرق می‌کند. بر این اساس، والزر (۱۹۸۰) علاقه‌مندی به مسائل عمومی و دلبستگی به اهداف عمومی را علائم اصلی فضیلت مدنی می‌داند و کسانی چون میلر (۱۹۸۹) تعهد به پیشبرد خیر جمعی را شرطی برای شهروندی

می‌شناسند (به نقل از ذکایی، ۱۳۸۰: ۶۹).

این مجادلات بین فلاسفه سیاسی در دوره معاصر متأثر از رهیافت جدیدی در علوم سیاسی تجربی شد که مطابق کارهای گابریل آوموند و سیدنی وربا (Almond & Verba) (۱۹۶۳) برای درک تفاوت‌های موجود در عملکرد حکومت‌های دموکراتیک شکل گرفت و باز هم به فضیلت‌های شهروندان نظر داشت. این رهیافت الهام‌بخش رابرت پاتنام (Putnam) در پژوهش‌های تجربی ۲۰ ساله‌ای شد که توسعه تئوری سرمایه اجتماعی را به شکل امروزی آن در پی داشت و هنوز هم در حال تکوین است.

۱-۱) تئوری سرمایه اجتماعی پاتنام

توسعه تئوری سرمایه اجتماعی بیش از هر چیز وامدار کارهای پژوهشی رابرت پاتنام^۱ است. موضوع پژوهش وی، در آغاز بررسی عملکرد نهادهای حکومتی محلی در مناطق مختلف ایتالیا بود. پاتنام برای پاسخ به این سوال که «چه چیزی باعث تمایز بین مناطق موفق شمال از مناطق ناموفق جنوب یا حتی باعث تمایز آن‌ها از مناطق کمتر موفق داخل هر بخش می‌شود؟» دو فرض را مطرح می‌کند: یکی تاثیر مدرنیته اجتماعی - اقتصادی و دیگر وجود «جامعه مدنی» یعنی الگوهای مشارکت مدنی و همبستگی اجتماعی. یافته‌های پژوهش، فرض اول را تأیید می‌کند اما بررسی بیشتر محدودیت‌های این تفسیر را آشکار می‌کرد: «در مناطق فقیر حکومت‌ها مدام عملکرد سطح پایین داشته‌اند. اما تفاوت‌های آشکار در عملکرد درون هر بخش برحسب توسعه اقتصادی کاملاً غیرقابل توضیح بود [...] بنابراین باید گفت که ثروت و توسعه اقتصادی نمی‌توانند تمام داستان باشند.» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۵۴).

فرض دوم این بود که موفقیت یک حکومت دموکراتیک به درجه نزدیک شدن محیطش به ایده‌آل «جامعه مدنی» بستگی دارد. این رابطه [رابطه مدنی و عملکرد نهادی] چنان

۱. نگاه کنید به پاتنام (۱۹۹۳a، ۱۹۹۳b، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳). در این بخش تمرکز اصلی بر چگونگی تکوین تئوری پاتنام در تحقیقات اولیه او (۱۹۹۳a) در این زمینه است.

قوی است که وقتی ما «مدنیت» یک منطقه را در محاسبات وارد می‌کنیم رابطه پیش گفته بین توسعه اقتصادی و عملکرد نهادی کاملاً محو می‌شود.» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۷۴) هنگامی که مشخص شد مهمترین عامل در توضیح حکومت خوب درجه نزدیکی زندگی اجتماعی و سیاسی یک منطقه به ایده‌آل جامعه مدنی است سؤال بعدی آن بود که «چرا بعضی از مناطق از دیگران مدنی‌ترند؟» برای پاسخ به این سوال پاتنام در ابتدا به سراغ تاریخ می‌رود و دست به مطالعه تبارشناسی جامعه مدنی در ایتالیا می‌زند. مطالعات وی نشان می‌دهند که جامعه مدنی ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۱۴)

اما چرا تاریخ گذشته چنین قدرتمند است؟ چرا مردم معتقدند که به گونه‌ای ناامیدکننده در چارچوب عادات و رسوم خاصی گیر افتاده‌اند؟ چه عوامل مثبتی در شمال، سنت‌های مشارکت مدنی را طی قرن‌ها از میان تغییرات شدید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حفظ نمودند؟ چه عوامل منفی در جنوب بهره‌برداری از آن و وابستگی‌اش را بازتولید می‌کنند؟ در پاسخ به این سوالات بود که وی به منطق عمل جمعی و مفهوم سرمایه اجتماعی روی می‌آورد، به نحوی که از آن به بعد تحقیق وی «صرفاً هدف مطالعه ایتالیا را دنبال نمی‌کند، بلکه این رهیافت، دیدگاه‌های انتخاب تاریخی و عقلانی را به هم پیوند می‌دهد به گونه‌ای که می‌تواند درک ما را از زندگی عمومی و عملکرد نهادی در بسیاری از کشورهای دیگر بهبود بخشد» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۴۲).

پاتنام با طرح پرسش‌های فوق خود را درگیر با یک مسأله ریشه‌دار در تاریخ اندیشه می‌کند و آن تلاش برای آشتی دادن خواست‌های فردی (نفع شخصی) و جمعی است. شهروندی در یک جامعه مدنی اول از همه با مشارکت فعال در امور عمومی مشخص می‌شود. فقدان فضیلت مدنی در «خانواده‌گرایی غیراخلاقی»^۱ تجسم یافته است که ادوارد بنفیلد (Edward Banfield) آن را اخلاق مسلط شهر مونته‌گرانو^۲ می‌داند. او در مورد این نوع اخلاق می‌گوید «هدف، به حداکثر رساندن منافع مادی و کوتاه‌مدت خانواده هسته‌ای است، چرا که فرض بر این

1. Amoral familism
2. Montegrano

است که دیگران نیز همین کار را انجام می‌دهند» (Banfield, 1958:85). در این رهیافت شهروندان جامعه مدنی ملزم به نوع دوستی نیستند، اما در جامعه مدنی شهروندان چیزی را دنبال می‌کنند که توکویل آن را «نفع شخصی درست درک شده»^۱ می‌نامد؛ یعنی نفع شخصی که در متن نیازهای عمومی وسیع‌تر تعریف شده، نفع شخصی که «روشنفکرانه است»^۲ و نه کوتاه‌بینانه، نفع شخصی که بقایش به منافع دیگران بستگی دارد. پاتنام با نقد راه‌حل کلاسیک‌ها بر این مشکل^۳ تاکید می‌کند که «معمای بغرنج عدم همکاری از بدنهادی یا انسان‌ستیزی ناشی نمی‌شود، هر چند این احساسات ممکن است به وسیله فرجام بد عدم همکاری تشدید شود» (پاتنام، ۱۳۸۰:۲۸۰). او با استفاده از تئوری بازی^۴ نشان می‌دهد که در مواردی (و از جمله در فقدان ضمانت قابل اتکاء)، عدم همکاری نه تنها غیر عقلانی نیست بلکه «عهدشکنی» می‌تواند [به زبان تئوری بازی] یک استراتژی تعادل پایدار^۵ باشد. نهایتاً وی با چیدن مقدماتی از راه‌حل‌های ارائه شده در تئوری بازی (از جمله بحث‌های: Taylor, 1977; Axelord, 1984; Fudenberg & Maskin, 1986) و کار برخی نهادگرایان جدید^۶ (Ostrom, 1990; Williamson, 1994) نهایتاً به راه‌حل‌های

1. Self - Interest Rightly Understood

2. Enlightened Regard; (see: Tocqueville, 1945:122; Tocqueville, 1969:525)

۳. توضیح در مورد راه‌حل هابز و نقد نورث و استورم را می‌توانید در (پاتنام، ۱۹۹۳ a) بیابید.

4. Game Theory

۵. یک تعادل باثبات برای جماعتی از افراد به کار برده می‌شود که به‌طور مکرر بازی‌هایی را در مقابل یکدیگر انجام می‌دهند. گفتن این‌که استراتژی x در بعضی از چنین بازی‌هایی تعادل باثبات است این نتیجه را دربرخواهد داشت که به نفع هر فردی است که از استراتژی x پیروی کند به شرط این‌که هر فرد دیگر (یا اغلب افراد) این بازی را انجام دهند (Sugden, 1986:32).

۶. پاتنام (۱۳۸۰) بیان می‌دارد که این نظریه (راه حل سه طرفه هابز) علی‌رغم ایراداتی که دارد خیلی چیزها را توضیح می‌دهد و تا حدی پیش‌بینی می‌کند. در مقابل رفتارهای غیرمشارکت‌جویانه کشاورز هیوم، می‌توان به مواردی از سنت‌های دیر پای همکاری (مثلاً به‌وسیله زارعین مستاجر در ایتالای مرکزی و یا عمل انبار نمودن غلات در مرزهای آمریکا) اشاره کرد که بر خلاف پیش‌بینی‌های تئوری بازی رخ می‌نمایند. این موارد مورد توجه شدید بسیاری از پژوهشگران بوده است. تئوری بازی‌ها عموماً بر این امر اذعان دارد که همکاری اصولاً هنگامی

«لطیف»^۱ رابرت باتز (Battes, 1988, 1992) (نظیر جامعه و اعتماد) رجوع می‌کند و به این نتیجه‌گیری می‌رسد که «موفقیت در غلبه بر معضلات عمل جمعی و فرصت‌طلبی که در نهایت به ضرر خود افراد تمام می‌شود به زمینه اجتماعی گسترده‌ای که بازی در آن انجام می‌پذیرد، بستگی دارد. [لذا] همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده، بهتر صورت می‌گیرد» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). نتیجه این‌که «انباشت مداوم سرمایه اجتماعی یکی از بخش‌های مهم داستان حلقه‌های فضیلت ایتالیایی مدنی است» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

سرمایه اجتماعی مورد نظر پاتنام «وجه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد»

آسان‌تر انجام می‌پذیرد که بازیگران در بازی‌های مکرر غیر قطعی درگیر هستند؛ به طوری که یک پیمان شکن در دوره‌های متوالی با مجازات روبرو خواهد شد. از دیگر شرایط درون خود بازی که از لحاظ تئوریک می‌تواند به همکاری کمک کنند عبارتند از محدودیت تعداد بازیگران، شفافیت اطلاعات در مورد رفتار گذشته هر بازیگر و این که بازیگران زیاد روی آینده شرط‌بندی نکنند. هر یک از این عوامل مهم هستند اما به نظر می‌رسد که آن‌ها بر این امر دلالت دارند که همکاری غیرشخصی باید نادر باشد در حالی که این نوع همکاری در بخش اعظم جهان مدرن خیلی شایع است. بخشی از پاسخ این مسأله را می‌توان در کار نهادگرایان جدید دنبال کرد.

الیور ویلیامسون (Oliver Williamson) در تحقیقات خود بر نقش نهادهای رسمی در کاهش هزینه‌های معامله (یعنی هزینه‌های نظارت و اجرای توافقات) و بنابراین قادر ساختن بازیگران بر غلبه موثرتر بر مشکلات فرصت‌طلبی و عهدشکنی تاکید نموده است.

الیور استورم (Oliver Ostrom) با مقایسه دقیق تلاش‌های همکاری‌جویانه برای اداره منابع سرمایه‌ای مشترک نظیر چراگاه‌ها، منابع آب و حوضچه‌های ماهی‌گیری اهمیت رویکرد منطبق بر توجه به نقش نهادهای رسمی در کاهش هزینه‌های معامله، یعنی هزینه‌های نظارت و اجرای توافقات و بنابراین قادر ساختن بازیگران به غلبه موثرتر بر مشکلات و عهدشکنی به عنوان راه‌حلی برای معضل عمل جمعی را اثبات می‌کند. از جمله اصولی که وی برای موفقیت نهادها در این زمینه پیشنهاد می‌کند عبارتند از: لزوم تعیین و تعریف واضح مرزهای نهاد، لزوم مشارکت طرف‌های ذی‌نفع در تعریف واضح مرزهای نهاد، لزوم مشارکت طرف‌های ذی‌نفع در تعریف قواعد، اعمال تحریم‌های درجه‌بندی شده بر علیه پیمان‌شکنان، وجود مکانیسم‌های کم‌هزینه برای حل برخوردها و...

1. Soft

(پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). به این ترتیب پاتنام راه‌حل معضل همکاری جمعی را در سرمایه اجتماعی جستجو می‌کند. به همین ترتیب پاتنام با بررسی گزارش‌ها و پژوهش‌های مختلف از انجمن‌های اعتباری گردشی^۱ (Besley, 1992; Velez-Ibanez, 1983; Geertz, 1962; Ardener, 1964) به‌عنوان نمونه‌ای از همکاری‌های داوطلبانه فراگیر، نشان می‌دهد که «...می‌توان از طریق استخراج منابع خارجی سرمایه اجتماعی بر مشکلات عمل جمعی فائق آمد چرا که این انجمن‌ها از ارتباطات از پیش موجود بین افراد برای کمک به حل مشکل نقص اطلاعات و اجرا استفاده می‌کنند» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۸).

بررسی این مورد و نمونه‌های دیگر وی را به این نتیجه می‌رساند که «همه اشکال همکاری داوطلبانه از یک منبع اصلی سرمایه اجتماعی تغذیه می‌کنند» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۹).

۲-۱) همکاری داوطلبانه

حجم قابل توجهی از ادبیات سرمایه اجتماعی معطوف به تاثیر داوطلبی^۲ و رفتارهای داوطلبانه (به‌عنوان نمونه: De Har & Dekker, 1999; Billiet & Cambre, 1999; Hodgkinson & Weitzman, 1992; Hooghe & Weitzman, 1992)، انجمن‌های داوطلبانه^۳ (به‌عنوان نمونه: Wuthnow, 1990, 1991) و روحیه داوطلبی^۴ (Derks, 1997; Dekker, et al, 1997) و داوطلب‌گرایی مدنی^۵ (Verba et al, 1995) بر سرمایه اجتماعی و پیامدهای اخلاقی و

۱. Rotating Credit Association: در ایران نمونه مشابه آن «صندوق‌های قرض‌الحسنه» نامیده می‌شود. بررسی‌های مردم‌شناسانه در ایران حاکی از وجود گونه‌های متعدد انجمن‌های داوطلبانه و رفتارهای مشارکت‌جویانه است. برای آشنایی با چند نمونه از این گزارش‌ها نگاه کنید به: صفاریان، ۱۳۵۵؛ نجمی، ۱۳۵۰؛ بیگلوسکایا، ۱۳۶۷؛ فرهادی، ۱۳۷۰، ۱۳۷۳؛ صفی‌نژاد، ۱۳۵۳. نقدهایی بر اینگونه کارها را می‌توان در پیران (۱۳۷۸) و بشیریه (۱۳۷۸) دید.

2. Volunteering & Voluntary Behavior
3. Voluntary Associations
4. Voluntary Spirit
5. Civic Voluntarism

ارزشی آن (Mahoney & Pechura, 1980; Uslander, 1999, 2001) بوده است. پپیا نوریس (۲۰۰۱) معتقد است که تئوری پاتنام از طریق مرتبط ساختن تفکرات سرمایه اجتماعی با تفکر ضرورت انجمن‌های مدنی و سازمان‌های داوطلبانه در دستیابی به دموکراسی، مشارکت سیاسی و کارآمدی حکومت تکوین یافته است. تعدادی از جامعه‌شناسان معاصر از نتایج کارهای پاتنام ایده‌هایی را در خصوص نقش‌آفرینی سرمایه اجتماعی در کنش‌های اخلاقی اخذ کرده‌اند. اریک آسلانیر (۱۹۹۹) بیان داشته که «رویکرد سرمایه اجتماعی بر الزام نسبت به سایرین فراتر از توجه به منافع شخصی‌مان تاکید دارد و شامل یکسری ایده‌ها و نظرات درباره ارزش‌ها و روابط اجتماعی و تعهدات مدنی است» (Uslander, 1999: 4,5). آسلانیر معتقد است که سرمایه اجتماعی کمک می‌کند افراد مشکل عمل جمعی‌شان را که یکی از عناصر اصلی رفتار اخلاقی است، حل کنند و اخلاقی‌تر عمل کرده و از سود خود به جهت خیر عمومی صرف‌نظر کنند (Uslander, 1999: 5).

آسلانیر (۱۹۹۹) براساس مطالعه‌ای که بر روی داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS) سال ۱۹۸۱ در مورد آمریکا انجام داده است به این نتیجه می‌رسد که رفتارهای اخلاقی بیشتر به ارزش‌های اخلاقی^۲ و اعتماد اجتماعی^۳ بستگی دارد (Uslander, 1999: 2). این برداشت بین ارزش‌ها و شبکه‌ها تمایز قائل می‌شود و بر آن است که مشکلات عمل جمعی بیش از هر چیز به ارزش‌های اصلی اعتماد به دیگران بستگی دارد، هر چند شبکه‌های روابط اجتماعی نیز مهم است و بیان می‌دارد که «ارزش‌ها طبق تاکید دیدگاه سرمایه اجتماعی در خلاء ایجاد نمی‌شود، لذا بخش دیگر، شبکه اجتماعی یا ارتباطات

۱. پژوهش ارزش‌های جهانی WVS، پیمایشی بین‌المللی (Corss-national Survey) است که بر ارزش‌های بنیادین چون؛ مابعد مادی‌گرایی (Postmaterialism)، مذهبی بودن، تائید رژیم ملی، تمایل به اعتراض و سطوح مشارکت مدنی متمرکز بوده است.

2. Moral Value

3. Social Atrust

اجتماعی است. موارد ساده‌ای چون عضو اتحادیه بودن یا ازدواج کردن باعث می‌شود افراد با هم ارتباط یابند. روابط و پیوندهای اجتماعی، حسی از اجتماع^۱ را ایجاد می‌کند که تقویت‌کننده ارزش‌های ارتقاءدهنده همکاری است» (Uslaner, 1999:7).

تحقیق آسلانیر در مورد آمریکا نشان می‌دهد که در کل حمایت قابل توجهی از (تاثیر) شبکه سرمایه اجتماعی وجود دارد و ارزش‌ها (اعتماد) و روابط اجتماعی تعیین‌کننده‌های اصلی تأیید استانداردهای اخلاقی قوی رفتار هستند» (Uslaner, 1999: 19).

پژوهش جوشوا گالپر (Sence Of Community, 2001) نیز مبتنی بر فرضیه‌های پاتنام و دیگران در مورد سرمایه اجتماعی طراحی شده. این مطالعه درصدد آزمایش این است که آیا سرمایه اجتماعی در امور خیریه و داوطلبی تعیین‌کننده است یا نه. گالپر، مطالعه همبستگی میان کمک‌های خیریه و سرمایه اجتماعی (همان‌گونه که پاتنام عملیاتی کرده بود) را تأیید می‌کند در این تحقیق متغیر داوطلبی غیرقابل اتکا دانسته شده، زیرا که از متغیر کمک خیریه غیرقابل تفکیک و به شدت به آن مرتبط است (Galper, 2000:29).

در یکی از پژوهش‌های اخیر پاتنام (۲۰۰۱) که به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و دیگرخواهی^۲ در آمریکا می‌پردازد، نتایج نشان می‌دهد که روند انجام اعمال نوع‌دوستانه^۳ در طول دوره مورد مطالعه (از ۱۹۲۹ تا ۱۹۹۸) از یک الگوی با معنا در ارتباط با میزان سرمایه اجتماعی پیروی می‌کند و تصادفی نیست (Putnam, 2001). پاتنام می‌نویسد «در دیدگاه ما دیگرخواهی (به معنی کار خوب کردن برای مردمان) بخشی از تعریف سرمایه اجتماعی نیست، اما حداقل در آمریکا و شاید در جاهای دیگر - نتایج تجربی ثابت می‌کند که یک پیش‌گویی‌کننده بسیار قوی برای دیگرخواهی، اتصالات اجتماعی است» (Putnam, 2001:7). نتایج کار وی نشان می‌دهد «مردمی که خون می‌دهند، پول و اعانه (کمک‌های خیریه)

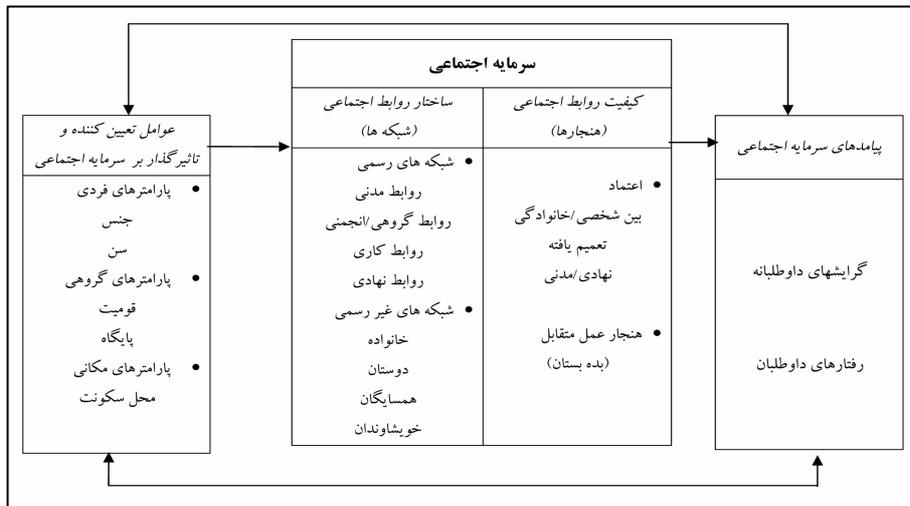
1. Sence Of Community
2. Altruism (doing good for other people)
3. Philantropy

می‌دهند و زمان‌شان را صرف کارهای داوطلبانه می‌کنند، همان کسانی هستند که ارتباطات اجتماعی بیشتری دارند» (Putnam, 2001: 8). او با ترسیم نقشه پهنه‌بندی سرمایه اجتماعی^۱ در آمریکا نشان می‌دهد که ایالت‌های نزدیک به کانادا از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند و در ایالت‌هایی که در قرن گذشته برده‌داری رواج بیشتری داشته، میزان سرمایه اجتماعی کمتر است و الگوهای مهاجرت پایدار دارای رابطه با میزان سرمایه اجتماعی است. سپس او سرمایه اجتماعی را با پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مقایسه می‌کند و پی به رابطه وثیقی میان اعمال تحصیلات بالاتر و سرمایه اجتماعی می‌برد. سرمایه اجتماعی اندک می‌تواند میزان جرم را پیش‌بینی نماید. سلامتی اجتماعی به واسطه رابطه اجتماعی قابل پیش‌بینی است. در جوامع با میزان سرمایه اجتماعی بالاتر، نابرابری مدنی و اختلاف در دستمزدها و درآمدها کمتر است. در این مورد جهت‌های علی دو طرفه هستند. (Putnam, 2001).

به استناد مباحث نظری و یافته‌های تحقیقی مرور شده در این پژوهش، تاثیر سرمایه اجتماعی و سایر متغیرهای زمینه‌ای در دو سطح رفتارها و گرایش‌های داوطلبانه افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد و با الهام از مدل نظری استون و هوگس (۲۰۰۲) گرایش‌ها و رفتارهای داوطلبانه به‌عنوان پیامدهای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و در مدلی نظری که تاثیر متغیرهای زمینه‌ای در سه سطح پارامترهای فردی، گروهی و مکانی را در نظر می‌گیرد مورد تحلیل قرار می‌دهیم (شکل شماره ۱).

1. Social Capital Mapping

شکل ۱: مدل نظری پژوهش



منبع: Stone & Hughes, 2002a, 2002b

۲) روش

این پژوهش رهیافتی کمی^۱ و تجربی داشته و مبتنی بر منطق فرضیه آزمایی^۲ از طریق تحلیل آماری است که در آن پدیده‌ها بر حسب تلازمی که با سایر متغیرها دارد، تبیین می‌شوند. استراتژی روش شناختی پژوهش مبتنی بر استفاده از طرح تحقیقی ترکیبی از دو روش، علی - مقایسه‌ای برای بررسی متغیر داوطلبی در سطح رفتاری و روش پیمایش مقطع - عرضی^۳ برای شناخت و بررسی گرایش‌های داوطلبانه افراد و تاثیرگذاری عوامل زمینه‌ای موثر در هر دو سطح است. جامع Z آماری این تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه

1. Quantitative
2. Hypothesis-Testing
3. Cross-Sectional

علامه طباطبایی^۱ تهران است که بررسی سطح ذهنی (گرایش‌ها) با نمونه معرفی از ۳۱۸ نفر از جوانان دانشجوی این دانشگاه که با روش طبقه‌ای احتمالی (دلاور، ۱۳۸۰: ۱۲۵) متناسب با حجم نمونه‌گیری شدند انجام شد. از طرف دیگر در سطح رفتاری، نمونه‌ای ۸۶ نفری از دانشجویان این دانشگاه که برای کمک به مصیبت‌دیدگان زلزله شهر بم (پنجم دی‌ماه ۱۳۸۲)، داوطلب شده بودند با روش زنجیره‌ای^۲ شناسایی شدند و با نمونه هم حجم از دانشجویان غیرداوطلب که به روش تصادفی انتخاب شدند (دلاور، ۱۳۸۰: ۴۰۲) به لحاظ بهره‌مندی از سطوح مختلف سرمایه اجتماعی مقایسه شد.

متغیر داوطلبی (در سطح ذهنی) با یک سازه ترکیبی از ۱۱ و ۷ گویه پنج درجه‌ای از نوع لیکرت سنجیده می‌شود. به منظور تشخیص و تعیین گویه‌های مناسب و پایدار^۳ (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۲۴۲) در طیف لیکرت معمولاً از ضوابط درونی^۴ برای تشخیص پایدار و مناسب بودن گویه‌ها استفاده می‌شود. روشی که در این‌جا برای تحلیل گویه‌ها^۵ به کار برده شده مبتنی بر محاسبه ضریب روایی^۶ آلفای کرونباخ است. برای دسته اول گویه‌ها $\text{Alpha}=0.85$ و برای دسته دوم $\text{Alpha}=0.82$ محاسبه شد. پس از گردآوری اطلاعات با تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی ابعاد مختلف این گویه‌ها شناسایی شده و مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. کلیه دانشجویان (روزانه، شبانه) شاغل به تحصیل در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در ۶ دانشکده علوم انسانی (اقتصاد، علوم اجتماعی، حسابداری و مدیریت، حقوق و علوم سیاسی، ادبیات و زبان‌های خارجه، روان‌شناسی و علوم تربیتی) در مجموعه دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشند که آمار آن‌ها در شهریور ۱۳۸۲ توسط مرکز کامپیوتر دانشگاه ثبت شده است و تعداد این افراد ۱۲۶۳۱ نفر است که دانشجویان ورودی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ را پوشش می‌دهد.

2. Snowballing
3. Consistent
4. Internal
5. Item Analysis
6. Reliability Coefficient

۳ یافته‌ها

۳-۱ گونه‌شناسی گرایش‌های داوطلبانه در بین دانشجویان

برای سنجش گرایش‌های داوطلبانه افراد دو دسته گویه طراحی شده و بر اساس تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفته است. جدول شماره ۱ مربوط به دسته اول این گویه‌ها است و بر مفهوم کمک کردن و صرف زمان در فعالیت‌های جمعی و گروهی تاکید دارد. با وارد کردن این گویه‌ها در آزمون تحلیل عاملی این ۸ متغیر به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند.

جدول ۱: ماتریس چرخش یافته اجزاء در تحلیل عاملی گویه‌های گرایش داوطلبانه

مولفه‌ها			گرایش‌های داوطلبانه (گروه محور)
۳	۲	۱	
		/۸۱۷	کمک به گروه یا تشکلی که برای زیباسازی شهر فعالیت می‌کنند
		/۸۰۶	کمک به گروه یا تشکلی که برای ارتقای فرهنگ ترافیک فعالیت می‌کنند
		/۷۶۷	کمک به گروه یا تشکلی که برای حفظ محیط‌زیست فعالیت می‌کنند
		/۵۱۷	کمک به گروه یا تشکلی که فعالیت‌های فرهنگی - هنری انجام می‌دهند
		/۸۴۵	کمک به گروه یا تشکلی که برای گسترش عدالت اجتماعی فعالیت می‌کنند
		/۷۸۲	کمک به گروه یا تشکلی که برای گسترش آزادی عقیده و بیان کار می‌کنند
		/۶۲۱	کمک به گروه یا تشکلی که فعالیت‌های مذهبی انجام می‌دهند
		/۵۹۸	کمک به گروه یا تشکلی که برای توسعه علم و دانش فعالیت می‌کنند
		/۸۷۵	کمک به اعضاء خانواده‌ام تا در زندگیشان پیشرفت کنند
		/۸۰۵	کمک به دوستانم برای این‌که به اهدافشان برسند

مطابق جدول فوق، متغیرهایی را که بر اساس بار عاملی در یک دسته قرار می‌گیرند مشخص کرده و بر اساس یافته‌های آماری و ملاحظات نظری، دسته اول این متغیرها را با عنوان گرایش‌های داوطلبانه شهروندی مفهوم‌سازی کردیم. گروه دوم گرایش‌های داوطلبانه

ارزش‌گرا یا آرمانی و دسته سوم گرایش‌های داوطلبانه خاص گرایانه عنوان گرفتند. این سه فاکتور در مجموع ۶۶/۵۸ درصد از واریانس کل را برآورد می‌کنند. دسته دوم گویه‌هایی هستند که بر گرایش‌های داوطلبانه‌ای تاکید می‌کند که بیشتر آن‌ها مبنای فردی داشته ولی اهدافی معطوف به جمع (تولید خیر جمعی) دارد. در جدول شماره ۲ نحوه توزیع پاسخ‌های داده شده به گویه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۲: ماتریس چرخش یافته اجزاء در تحلیل عاملی گویه‌های گرایش داوطلبانه

مؤلفه		گرایش‌های داوطلبانه (فردمحور)	
۲	۱		
	/۸۰۳	شرکت در تجمع اعتراض‌آمیز برای احقاق حقوق مردم ایران	گرایش‌های داوطلبانه
	/۷۸۹	شرکت در تجمع اعتراض‌آمیز برای احقاق حقوق اقلیت‌های دینی	گرایش‌های داوطلبانه
	/۷۸۲	شرکت در تجمع اعتراض‌آمیز برای احقاق حقوق دانشجویان	اعتراضی یا رادیکال
	/۶۰۴	شرکت در تجمع اعتراض‌آمیز به، تهاجم ناحق به یک کشور	اعتراضی یا رادیکال
/۸۹۹		کمک به گروهی یا تشکلی که برای حمایت از کودکان بی سرپرست فعالیت می‌کند	گرایش‌های داوطلبی
/۸۹۵		داوطلب شدن برای اعزام به یک منطقه زلزله زده یا سیل‌زده	گرایش‌های داوطلبی
/۷۶۳		داوطلب شدن برای اعزام به یک منطقه افغانی‌نشین در استان‌های شرقی کشور که در زلزله‌ای شدید آسیب دیده است	دیگرخواهانه

گویه‌های دسته اول بر پایه ملاحظات نظری و آماری با عنوان گرایش‌های داوطلبانه اعتراضی یا رادیکال و گویه‌های دسته دوم با عنوان گرایش‌های داوطلبی دیگرخواهانه مفهوم‌سازی شدند. این دو فاکتور در مجموع ۶۸/۱۶۸ درصد از واریانس تست کل را برآورد می‌کنند.

۲-۳) سرمایه اجتماعی و گرایش‌های داوطلبانه

آزمون‌های آماری ارتباط معنی‌داری بین هر یک از گرایش‌های داوطلبانه با سرمایه اجتماعی را تأیید می‌کند. این ارتباط با جنبه کیفیتی روابط اجتماعی (هنجارها) در کلیه

گرایش‌های داوطلبانه وجود داشت، در حالی که فقط گرایش‌های ارزشی، دیگرخواهانه و خاص‌گرایانه از ساختار روابط نیز متأثر است. در واقع گرایش خاص‌گرایانه تنها از طریق شبکه‌های غیررسمی خانوادگی، خویشاوندی و دوستی (به غیر از شبکه‌های همسایگی) تقویت می‌شود، در حالی که گرایش‌های اعتراضی و دیگرخواهانه با گسترش شبکه‌های روابط مدنی و نهادی، تقویت می‌شود. یافته دیگری نشان می‌دهد درحالی که گرایش‌های داوطلبی شهروندی با هنجارهای اعتماد ارتباط دارد، در مقابل، گرایش‌های دیگرخواهانه و اعتراضی با هنجار عمل متقابل در ارتباط بودند و نه اعتماد. در این میان، داشتن روابط کاری با گرایش‌های داوطلبانه شهروندی و اعتراضی رابطه معنی‌دار ولی منفی دارد به این معنی که با گسترش یا افزایش روابط کاری، از این‌گونه گرایش‌ها کاسته می‌شود.

۳-۳) سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه

مطابق مدل نظری تحقیق، سرمایه اجتماعی در دو بعد ساختار روابط (شبکه‌ها) و کیفیت روابط (هنجارها) مفهوم‌سازی شده است که میزان آن در بین گروه جوانان داوطلب با گروه گواه مقایسه شده است.

۳-۳-۱) ساختار روابط (شبکه‌ها)

درحالی که در هیچ یک از ابعاد رابطه غیررسمی (شبکه‌های خانوادگی، خویشاوندی و دوستی) اختلاف معنی‌داری بین دو گروه داوطلب و غیرداوطلب وجود نداشت لیکن میانگین‌های روابط رسمی دو گروه در تمام ابعاد اختلاف معنی‌داری با هم دارند. میانگین روابط مدنی گروه مبنا در بین دانشجویان داوطلب از میانگین مربوط به دانشجویان غیرداوطلب بیشتر است. از جمله مولفه‌های این بعد از روابط رسمی فرد، عضویت در تشکل‌های غیردولتی (NGOs) خارج دانشکده، عضویت در تشکل‌های درون دانشگاه و نیز عضویت‌های متداخل (عضویت در چند تشکل) بوده است (حدود ۳۷ درصد از کل دانشجویان داوطلب حداقل عضو یک NGO می‌باشند). آزمون‌های آماری ارتباط معنی‌داری

بین داوطلب بودن و عضویت در NGO نشان می‌دهد ($\Phi=0/262$ و $P=0/001$ و $df=1$ و $X^2=10/92$). در دو مورد دیگر نیز این رابطه صادق است.

در مورد **روابط مدنی فردی**، دانشجویان داوطلب از میانگین روابط مدنی فردی بالاتری از دانشجویان غیرداوطلب بهره‌مندند. از جمله مؤلفه‌های مورد بررسی این بعد میزان شرکت افراد در تجمع‌ها و گردهم‌آیی و دفعات شرکت در انتخابات بود که به لحاظ شرکت در تجمع‌ها و گردهم‌آیی‌ها دانشجویان داوطلب میانگین بالاتری از دانشجویان غیرداوطلب دارند.

در مورد **روابط نهادی فرد** که شامل ارتباط داشتن و تعامل فرد با نهادهای حکومتی و غیرحکومتی از جمله تماس گرفتن یا نامه نوشتن به مسئولین و یا شرکت در جلسات بررسی مشکلات می‌باشد، دانشجویان داوطلب از سطح روابط نهادی بالاتری برخوردار بودند و در اکثر موارد فعالیت داوطلبان تا حد ۵۰ درصد از غیرداوطلبان بیشتر بوده است. همچنین اگر براساس تعداد فعالیت‌هایی از این نوع افراد دو نمونه را با هم مقایسه کنیم باز شاهد آن خواهیم بود که افراد گروه داوطلبین اختلاف معنی‌داری با افراد غیر داوطلب در این زمینه دارد ($P=0/05$ و $df=170$ و $t=1/75$). متغیر مرتبط دیگر، سرو کار داشتن با یک نهاد حکومتی در رابطه با مشکلات مردم در ظرف ۶ ماه گذشته است. آزمون خی دو نیز معنی‌داری رابطه داوطلب بودن با ارتباط نهادی را در سطح ۹۵ درصد تأیید می‌کند.

جدول ۳: مقایسه میانگین ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی در بین دو گروه آزمایش و گواه

سطح معنی‌داری	مقدار t	میانگین سرمایه اجتماعی				ابعاد سرمایه اجتماعی		
		غیرداوطلب		داوطلب				
۰/۹۷۶	۰/۰۵	۰/۰۳۱	۱/۹۵۲	۶۹/۶۴	۷۷/۳۲	۶۹/۷۱	۸۲/۹۲	شبکه‌های غیر رسمی (شبکه‌ها)
				۱۰/۷۲	۱۳/۱۲	۱۳/۱۲	۱۳/۱۲	
۰/۱۵۶	۰/۰۵	-۱/۴۶	۱/۹۵۲	۴۲/۵۸	۷۷/۳۲	۴۰/۴۶	۸۲/۹۲	هنجار اعتماد
				۲۰/۸۷	۲۱/۰۸	۲۱/۰۸	۲۱/۰۸	هنجار بده و بستان

۲-۳-۳) کیفیت روابط

در مدل استون (۲۰۰۰ و ۲۰۰۱)، در بعد کیفیت، روابط تاکید بر هنجارهای اعتماد و بده بستان است. در این مدل نیز ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که میانگین اعتماد بین شخصی در دو گروه دانشجویان داوطلب و غیرداوطلب اختلاف معنی داری را نشان نمی‌دهد، در مورد اعتماد تعمیم‌یافته میانگین نمره دانشجویان داوطلب بالاتر از میانگین اعتماد تعمیم‌یافته دانشجویان غیرداوطلب است. اعتماد نهادی نیز پس از انجام آزمون عوامل بر روی گویه‌های ۱۳ گانه و به دست آوردن ابعاد آن در سه زمینه بررسی شده است. دانشجویان داوطلب و غیرداوطلب تنها به لحاظ اعتماد نهادی به حکومت اختلاف معنی داری را در میانگین‌هایشان نشان می‌دهند. در این مورد میزان اعتماد دانشجویان داوطلب به نهاد حکومت از میانگین اعتماد نهادی دانشجویان غیر داوطلب به حکومت کمتر می‌باشد.

هنجار **عمل متقابل (بده بستان)** با وجود این که مقدار میانگین بالاتری را در بین دانشجویان داوطلب در مقابل غیرداوطلب دارد، ولی معنی داری این اختلاف توسط آزمون t تأیید نمی‌شود، در حالی که هنجارهای مخالف با عمل متقابل (هنجارهایی که برخلاف اصول بده بستان است) به لحاظ نمره میانگین اختلاف معنی داری بین دو گروه داوطلب و غیرداوطلب دارد. در واقع هدف از تفکیک این دو بعد هنجار بده و بستان اندازه‌گیری همزمان نزدیکی افراد به هنجارهای عمل متقابل و دوری آنها از هنجارهای ضد آن بود تا درک کاملی از میزان نزدیکی یا گرایش افراد به هنجارهای بده و بستانی سنجیده شود. یافته‌ها حاکی از آن‌اند که دانشجویان داوطلب دوری بیشتری از هنجارهای ضد عمل متقابل دارند. نهایتاً با ترکیب خطی هر یک از این ابعاد به ابعاد اصلی‌تر سرمایه اجتماعی می‌رسیم که در جداول بعدی ذکر شده است.

نتایج آزمون t مندرج در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که دانشجویان داوطلب و غیرداوطلب به لحاظ میانگین روابط در شبکه‌های رسمی اختلاف معنی داری با هم دارند. میانگین این روابط برای دانشجویان داوطلب از میانگین این متغیر در بین دانشجویان

غیرداوطلب بالاتر است. در مجموع نتایج به دست آمده بیانگر این است که سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان داوطلب از میانگین این متغیر در بین دانشجویان غیرداوطلب بالاتر است و اختلاف بین این دو میانگین هم به لحاظ آماری معنی دار است ($p=0.050$)، این امر مؤید فرضیه مطرح شده در مورد بهره‌مندی بیشتر دانشجویان داوطلب از سرمایه اجتماعی و نقش آن در بروز رفتار داوطلبانه در ایشان است.

۳-۴) مقایسه میانگین ابعاد مختلف گرایش‌های داوطلبانه در بین دو گروه

دانشجویان مورد مطالعه در دو گروه به لحاظ میانگین گرایش داوطلبانه به فعالیت‌های دیگرخواهانه و اعتراضی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارند، به این معنی که دانشجویان گروه آزمایش (نمونه داوطلب) در هر دو این موارد، میانگین گرایش بالاتری از دانشجویان گروه گواه (نمونه غیرداوطلب) را به خود اختصاص می‌دهند.

جدول ۴: مقایسه میانگین گرایش‌های داوطلبانه در ابعاد مختلف در بین دو گروه آزمایش و گواه

سطح معنی‌داری	مقدار t	میانگین نمرات				ابعاد گرایش داوطلبانه	گرایش داوطلبانه
		دانشجویان غیرداوطلب		دانشجویان داوطلب			
۰/۹۱۷	۰/۱۰۴	۱۲/۶۵	۸۵	۱۲/۷۱	۸۵	گرایش‌های داوطلبانه ارزشی	
۰/۱۸۵	-۱/۳۳۱	۱۲/۸۴	۸۵	۱۲/۰۴	۸۴	گرایش‌های داوطلبانه شهروندی	
۰/۰۱۹	۲/۳۶۱	۹/۳۵	۸۵	۱۰/۶۲	۸۵	گرایش‌های داوطلبانه دیگرخواهانه	
۰/۰۰۵	۲/۸۶۸	۱۰/۱۷	۸۴	۱۱/۹۵	۸۴	گرایش‌های داوطلبانه اعتراضی	
۰/۳۶۵	-۰/۹۰۸	۷/۶۳	۸۶	۷/۳۹	۸۶	گرایش‌های داوطلبانه خاص‌گرا	

پنج گرایش به دست آمده در جدول شماره ۴ را با پاره‌ای ملاحظات مفهومی و نظری در جهت تحلیل و درک بهتر از مسأله می‌توان به دو صورت ترکیب کرد. در حالت اول براساس نوع گرایش داوطلبانه مورد علاقه به لحاظ فردی یا جمعی (گروهی) بودن شکل

مشارکت در فعالیت می‌توان آن‌ها را به دو دسته فعالیت گروه مبنا و فعالیت فرد محور تفکیک کرد. از طرف دیگر سه نوع اول این گرایش‌ها، براساس خصلت عام‌گرا بودن نوع فعالیت از گرایش‌های خاص‌گرایانه از یک سو و از گرایش‌های رادیکال از سوی دیگر قابل تفکیک است. تحلیل نتایج این دو نوع مفهوم‌سازی جدید نشان می‌دهد که میانگین گرایش‌های داوطلبانه دانشجویان مورد مطالعه در دو گروه آزمایش و گواه بر حسب گروه/فرد محور بودن فعالیت داوطلبانه اختلاف معنی‌داری دارد ($t=2.416, p=0.017$). در حالی که بر اساس عام/خاص‌گرا بودن فعالیت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

۳-۵) رابطه بین داوطلبی و متغیرهای زمینه‌ای

۳-۵-۱) جنسیت

بررسی رابطه (پیوستگی)^۱ بین جنس (متغیر مستقل) و وضعیت داوطلبی حاکی از ارتباط معنی‌دار این دو متغیر با هم است ($\chi^2=9/302, P=0/002, \Phi=-0/233$). در این نمونه مردان بیش از زنان در امور داوطلبانه شرکت کرده‌اند. البته باید توجه داشت که این نتیجه در سطح رفتاری به‌دست آمده است، در حالی که تحقیقات انجام شده در خصوص رابطه جنسیت و گرایش به شرکت در امور داوطلبانه از جمله تحقیق فلانگن و همکاران (۱۹۹۸) که در میان بیش از ۵ هزار نوجوان ۱۸ تا ۱۲ ساله در ۷ کشور صنعتی و در حال گذار انجام شده حاکی از آن است که زنان بیش از مردان به انجام دادن فعالیت‌های داوطلبانه تمایل نشان داده‌اند (ذکایی، ۱۳۸۲: ۱۱).

بررسی گرایش‌های داوطلبانه بر اساس جنس در این پژوهش نیز مؤید این امر است که در زمینه گرایش‌های داوطلبانه گروه‌محور و بالانحص گرایش در فعالیت‌های داوطلبانه شهروندی اختلاف معنی‌داری بین دختران و پسران وجود دارد و دختران در هر دو زمینه میانگین گرایش بالاتری به فعالیت از خود نشان داده‌اند. ($p=0.025$) و این در حالی است که مقایسه میانگین نمرات دختران و پسران در زمینه ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که دانشجویان

1. Association

پسر در زمینه داشتن روابط در شبکه‌های رسمی (روابط مدنی گروه/ فرد مینا، روابط نهادی، روابط کاری) به‌طور کلی میانگین نمرات بالاتری را داشته‌اند ($t=-2.77, p=0.006$). بنابراین این اختلاف در سطح رفتار و گرایش را باید در ارتباط با سایر عوامل مؤثر و موانع احتمالی بروز این گرایش‌ها جستجو کرد. یک تبیین جانبدار زنان (فمینیستی) در این زمینه می‌تواند تفاوت بین ذهنیت و عمل را در زمینه‌های ساختی جامعه و سنت‌های فرهنگی آن جستجو کند که فرصت‌های بیشتری را در اختیار مردان قرار می‌دهد و در این زمینه در حق زنان تبعیض اعمال می‌کند.

۲-۵-۳ سن

تحقیقات متعدد نشان می‌دهند که افزایش سن با علاقه بیشتر به سیاست و مشارکت همبستگی دارد (نگاه کنید به: Furlong & Cartmel, 1997:97؛ ذکایی، ۱۳۸۲:۲). در نمونه مورد مطالعه این تحقیق با افزایش سن، میزان گرایش‌های شهروندی و ارزشی افزایش می‌یابد به طوری که گروه سنی ۲۶-۲۹ ساله در این دو گرایش نمره بیشتری از دو گروه سنی ۱۷ تا ۲۱ سال و ۲۲ تا ۲۵ سال را به خود اختصاص می‌دهند.

۳-۵-۳ نحوه سکونت

استقلال نسبی حاصل از جدا زندگی کردن از والدین باعث آن می‌شود که جوانان در تصمیم‌گیری‌ها به خود بیشتر اتکا کنند و با تبعات آن به صورت عینی‌تری مواجه شوند این تحول بر شکل‌گیری گرایش‌ها و سوگیری‌های رفتاری و ارتباطات افراد تاثیر می‌گذارد. مطابق تئوری پیوندهای ضعیف^۱ گرانووتر (Gronovetter)، پیوندهای ضعیف با شبکه‌ها (در مقابل پیوندهای قوی، مثلاً با اعضاء خانواده یا گروه‌های بسته) باعث افزایش سرمایه اجتماعی کل می‌شود. هرچند بررسی نتایج این پژوهش در بعد رفتاری هیچ رابطه معنی‌داری را بین نحوه سکونت و وضعیت داوطلبی دانشجویان تائید نمی‌کند، اما مقایسه

1 Week ties theory

میانگین گرایش‌های داوطلبانه کلی و گروه‌محور در بین افراد دو گروه اختلاف معنی‌داری را در این زمینه نشان داده است، به این معنی که دانشجویانی که به‌طور مستقل از والدین خود زندگی می‌کنند نمره میانگین بالاتری را در گرایش‌های داوطلبانه به خود اختصاص می‌دهند ($\chi^2=1/24$, $df=1$, $sig(2\text{-tailed})=1/69$).

۴-۵-۳ قومیت

متغیر قومیت از چند جهت می‌تواند بر روی گرایش‌ها و رفتارهای داوطلبانه جوانان تاثیرگذار باشد. از یک طرف وجود شکاف اجتماعی و احساس به بازی گرفته نشدن و تبعیض از طرف یک قوم غالب بر روی هویت‌یابی‌های افراد سایر اقوام و گرایش‌های آن‌ها تاثیرگذار بوده و از طرف دیگر تجربه تاریخی یا عناصر موجود در یک فرهنگ قومی می‌تواند زمینه‌ساز این گرایش‌ها باشد. بررسی داده‌های این تحقیق رابطه معنی‌داری را بین قومیت و وضعیت داوطلبی نشان می‌دهد. در این تحقیق حدود ۷۰ درصد کسانی که فعالیت داوطلبانه داشتند از بین دانشجویان فارس بودند، در حالیکه ۵۷ درصد کل نمونه را دانشجویان فارس تشکیل می‌دهند.

تبیین این امر می‌تواند براساس مباحث نظری که به ساخت فرصت‌های سیاسی و اجتماعی برای قومی و محتواهای فرهنگی آن‌ها در یک جامعه چند قومی اشاره دارد معطوف باشد. بررسی دقیق‌تر، این فرض را نیز مطرح می‌کند که ممکن است علاوه بر روابط قومی خاص که در ایران به نفع قوم فارس ساختار یافته، تأثیر این متغیر از طریق اعتماد نهادی به حکومت قابل توضیح باشد. همان‌طور که در متن مقاله توضیح داده شد، تحقیقات ملی حاکی از آن است که فارس‌ها، کمترین میزان اعتماد به نهادهای حکومتی را در مقایسه با سایر اقوام ایران دارند، این متغیر در مورد ترک‌ها در بالاترین سطح قرار دارد. در حالی که مشارکت در امور داوطلبانه در بین این دو قوم کاملاً رابطه‌ای معکوس دارد. یافته‌های ما در مورد اعتماد نهادی و جدایی‌گزینی اقوام کاملاً با یافته‌های تحلیل یوسفی در مورد اقوام ایران منطبق است (یوسفی، ۱۳۸۰: ۲۰۷).

۳-۶) بررسی مدل نظری با تکنیک تحلیل مسیر

بر اساس مدل نظری تحقیق که در آن، ابعاد سرمایه اجتماعی ترکیب شده است، برای هر یک از دو گروه آزمایش و گواه به صورت مستقل تحلیل مسیر انجام گرفته است تا تاثیرات کلی (مستقیم و غیرمستقیم) متغیرهای موجود در مدل برای هر گروه مشخص شود. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در گروه داوطلبان، مدل علی به دست آمده در حدود ۶۰ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. همین مدل برای نمونه دانشجویان غیرداوطلب قدرت تبیین ۲۷/۵ درصد واریانس گرایش‌های داوطلبانه را دارد.

۳-۷) بررسی نقش متغیرهای مستقل با آزمون تحلیل تشخیصی

در آزمون تحلیل تشخیصی^۱ با وارد کردن متغیرهای مستقل جنس، سن، قومیت، محل سکونت و طبقه به همراه متغیر سرمایه اجتماعی (بر اساس ابعاد مختلف مدل استون) در آنالیز و استفاده از روش گام به گام^۲ و انتخاب معیار لامدای ویلکز^۳ برای ورود و خروج متغیرها، تابع تشخیص مناسب جهت تعیین نقش متغیرهای موجود در مدل نظری در توضیح رفتار داوطلبانه به دست می‌آید (کلاتری، ۲۰۱: ۱۳۸۲).

معادلات حاصل از تحلیل تشخیصی^۴ مربوط به این دو مدل که از ترکیب خطی متغیرهای مستقل به دست می‌آید به ترتیب برای گروه آزمایش (دانشجویان داوطلب) $Z = 39/646 + 0/215 x_1 - 9/488 x_2$ ، جنس $x_2 =$ است و برای گروه گواه (دانشجویان غیر داوطلب) $Z = 68/07 - 10/22 x_1$ می‌باشد که در آن،

1. Discriminant Analysis

2. Stepwise Method

3. Wilks' Lambda

۴. تحلیل تشخیصی از جمله روش‌های تفکیکی است که تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از برخی متغیرهای مستقل، افراد گروه‌ها را که داده‌های آن‌ها به صورت اسمی یا ترتیبی است به بهترین وجه از هم تفکیک کند و نهایتاً متغیرهایی که به‌طور مناسب گروه‌ها را از هم تفکیک می‌کنند مشخص نماید.

محل سکونت $X1$ است. در مجموع می‌توان دید که در سطح رفتاری معادله به دست آمده از آنالیز تشخیصی که احتمال عضویت در یکی از دو گروه را بر اساس متغیرهای مستقل توضیح می‌دهد، نشان داده که به وسیله ۴ متغیر باقی مانده در مدل، یعنی جنسیت، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به نهاد حکومت و شبکه روابط رسمی، می‌توان تا $34/4$ درصد واریانس متغیر گروه‌بندی (داوطلبی) را پیش‌بینی کرد.

۴) بحث و نتیجه‌گیری

برخورد جامعه ایران با پدیده مدرنیته غربی و شکل مستقر آن در نظام جهانی یعنی سرمایه‌داری در قرن گذشته و پیامدهای اجتماعی و هویتی آن در شکل گسترش نسبی فردگرایی و اتمیزه شدن جامعه و شخصی شدن گفت‌وگوها و پروژه‌های زندگی از یک سو و سنت‌های برجامانده از تاریخی پر آشوب و استبدادی که در دیالکتیکی از سازندگی و ویرانگری، همواره جامعه را دستخوش ناامنی و بی‌ثباتی عدم شکل‌گیری اخلاق مدنی و شهروندی و به تبع آن بی‌اعتمادی و ضعف در انباشت و حفظ سرمایه‌های اجتماعی کرده است، از سوی دیگر، روابط اجتماعی را به قهر در چارچوب‌های تنگ عرصه‌های خصوصی و خانوادگی فرو برده و ضعف نسبی جامعه مدنی را در پی دارد.

در همین زمینه تاریخی است که وضعیت گرایش‌ها و رفتارهای جوانان - که همواره به عنوان گروه بسیار مهم و تأثیرگذار در تحولات کوتاه‌مدت و میان‌مدت آینده جامعه مطرح می‌شوند - مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بررسی‌ها دلالت‌های مهمی از جمله در خصوص تحولات نسلی و روند اخلاق مدنی دارد. از سوی دیگر در ایران سیاست‌های دولتی توسعه آموزش عالی و فشار هنجاری خانواده‌ها و جامعه برای دستیابی به سرمایه‌های فرهنگی و انسانی مستتر در مدارج و فرصت‌های آموزشی، بخش مهمی از این گروه را مشغول به مسأله دانشگاه کرده است تجربه ورود به محیط دانشگاهی که برای طیف وسیعی از این جوانان همزمان با تجربه جدا شدن از خانواده و توأم با فرایندهای فردی شدن و استقلال نسبی است زمینه‌ساز جامعه‌پذیری مجدد و هویت‌یابی‌های جدیدی

می‌شود که به نوبه خود از متغیرهای زمینه‌ای متأثر بوده و در مجموع باعث تغییر در نگرش‌ها و اولویت‌های رفتاری و گرایش‌های ایشان می‌شود. آنچه که موضوع این پژوهش بدان معطوف بوده، رفتارها و گرایش‌های داوطلبانه جوانان دانشجوی است.

مطابق یافته‌های این پژوهش، در مجموع در **سطح بررسی ذهنی** (گرایش‌ها)، در ۵ زمینه مفهوم‌سازی شده؛ فعالیت‌های داوطلبانه شهروندی، آرمانی - ارزشی، رادیکال - اعتراضی، دیگرخواهانه و خاص‌گرایانه با متغیر سرمایه اجتماعی، که بر اساس مدل استون (۲۰۰۱) و مفهوم‌سازی وی از ساختار روابط (شبکه‌ها) و کیفیت روابط (هنجارها) سنجیده می‌شود، ارتباط معنی‌داری بین هر یک از گرایش‌های داوطلبانه با سرمایه اجتماعی تأیید شد. این گرایش‌ها از متغیرهای زمینه‌ای نیز تأثیر می‌پذیرند.

در **سطح رفتاری** نیز ارتباط سرمایه اجتماعی با رفتارهای داوطلبانه از طریق یک طرح علی - مقایسه‌ای بررسی شد، یافته‌ها مؤید تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی در بروز رفتار داوطلبانه است. بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که جنبه ساختاری روابط اجتماعی است که با رفتار داوطلبانه رابطه دارد. گروه داوطلبان در شبکه روابط رسمی اعم از روابط مدنی و نیز روابط نهادی، نمره بالاتری از گروه غیرداوطلبان دارند و این امر تأثیرگذاری این‌گونه روابط را در بروز رفتار داوطلبانه افراد تأیید می‌کند. در بعد هنجاری نکته بسیار جالب توجه، اختلاف معنی‌دار دو گروه در اعتماد به نهادهای حکومتی است. نتایج حاکی از آن بود که گروه دانشجویان داوطلب اعتماد کمتری به نهادهای حکومتی دارند. از طرف دیگر رفتارهای داوطلبانه از متغیرهای زمینه‌ای نیز تأثیر می‌پذیرند.

مقایسه بین دو سطح رفتار و گرایش نشان می‌دهد دانشجویانی که در امور داوطلبانه شرکت می‌کنند کسانی هستند که گرایش‌های اعتراضی - رادیکال بالاتری داشته و از اعتماد کمتری به نهادهای حکومتی برخوردارند. بین این دو گروه دانشجویان به لحاظ گرایش‌های دگرخواهانه نیز اختلاف معنی‌داری وجود داشته و داوطلبان دگرخواه‌ترند. دانشجویان داوطلب همچنین به لحاظ سابقه عضویت در تشکلهای مدنی و دانشجویی، اختلاف معنی‌داری با دیگر دانشجویان دارند.

سرانجام این یافته‌ها نشان می‌دهند که بهره‌مندی از سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی در حالی که در بعد هنجاری مقوم گرایش‌های داوطلبانه است، در بعد ساختاری زمینه‌های بروز آن را به شکل رفتارهای داوطلبانه تسهیل می‌کند.

باید یادآور شد که اصطلاح داوطلبی، در نوع خود مفهومی سهل و ممتنع است چرا که علاوه بر معنای کلی و احتمالاً مشترکی که از یک‌سری اعمال و حالات به ذهن متبادر می‌کند، دربردارنده مؤلفه‌های رقیب و گاه متعارض است. آنچه در این پژوهش مد نظر بود، در نظر گرفتن داوطلبی به عنوان ویژگی فردی یا گروهی است که می‌تواند در گرایش‌ها و رفتارهای افراد برای عمل در جامعه مدنی^۱ پدید آید.

از طرفی داوطلبی، علاوه بر تبیین‌های روان‌شناختی یا اقتصادی می‌تواند تغییرپذیری ساختی (ساختار روابط اجتماعی) را نشان دهد و لذا می‌تواند با رویکردی جامعه‌شناختی و در ارتباط با روابط و هنجارهای اجتماعی تبیین شود. این جاست که از مفهوم سرمایه اجتماعی که به عنوان ابزار تحلیلی مناسبی در حوزه عمومی مطرح است، استفاده می‌شود. سرمایه اجتماعی غالباً به مفهوم ویژگی خاص از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسایل عمومی را افزایش می‌دهد. البته رویکرد این تحقیق مبتنی بر بررسی این ویژگی در سطح افراد است (Brehm & Rohn, 1997).

۱. مفهوم‌سازی‌های مختلفی از این واژه صورت گرفته است. در این جا منظور از جامعه مدنی حوزه‌ای از اجتماع است که در کنار نظام اداری دولت و اقتصاد قرار می‌گیرد و یا به تعبیری، واسط بین بخش بازار و بخش حکومتی است. این کار به مفهوم‌سازی آپهاوف (۱۹۳۳) و وان تیل (۱۹۸۸) از منظر سازمانی جامعه منطبق است که جامعه را به سه بخش دولت، بازار و بخش سوم (و یا داوطلبانه) تقسیم می‌کنند و در بخش سوم (یا داوطلبانه) سازمان جامعه مدنی را مورد تأکید قرار می‌دهند. باید توجه داشت که منطبق عمل در هر بخش متفاوت است. در حالی که در بخش دولتی منطبق عمل مبتنی بر اقتدار و در بخش بازار مبتنی بر سود است، در بخش سوم منطبق عمل بر همکاری داوطلبانه استوار است؛ هر چند ماهیت این رفتارها یا گرایش‌های داوطلبانه می‌تواند علاوه بر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی معطوف به بستر مدنی آن، بر اساس همین منطبق به زمینه‌های دیگر اقتصادی یا سیاسی هم معطوف گردد و به شکل مقاومت یا واکنش در مقابل دست‌اندازی‌ها یا ناتوانی‌های عرصه‌های اقتصادی و حکومتی در مورد مسایل عرصه‌های عمومی و خصوصی بروز کند.

آنچه که بلافاصله هر پژوهش تجربی در زمینه سرمایه اجتماعی با آن مواجه می‌شود. تفکیک ویژگی‌های متمایز سرمایه اجتماعی از مفاهیمی مثل دیگرخواهی، داوطلبی و سایر مفاهیم مشابه و هم‌پوشان است که در این پژوهش علاوه بر ملاحظات مفهومی و نظری، انتخاب مدل سنجش استاندارد استون (۲۰۰۱) این امر را تا حدودی تضمین کرده است.

در سطح نظری یافته‌های این پژوهش مؤید تمایز میان کنش خنثی برای اقدام و عمل جمعی در برابر کنش هنجاری است. همچنان‌که صاحب‌نظران کلاسیک در ادبیات سرمایه اجتماعی اذعان دارند، هر ترکیبی از شبکه‌های متراکم و هنجارهایی که اقدام جمعی را سازمان می‌دهد لزوماً به انباشت سرمایه اجتماعی در جامعه مدنی منجر نمی‌شود (اعتماد بالا یا هنجارهای قوی بده و بستان در شبکه‌های مافیایی یا نژادی یک نمونه بارز آن است)، لذا تنها آن گونه خاصی از کنش‌ها را مقوم سرمایه اجتماعی در جامعه مدنی می‌دانند که به تقویت ارزش‌های مدنی و دموکراتیک و بسط کنش‌های اخلاقی بیانجامد.

از سوی دیگر بر خلاف اکثر پژوهش‌های سرمایه اجتماعی و از جمله پژوهش‌های رابرت پانتام. (که تأکید بر سرمایه اجتماعی در آن‌ها همیشه از نظر سیاسی محافظه‌کارانه است و افزایش سرمایه را تنها با سطح بالای اعتماد مردم، از جمله اعتماد بالای شهروندان به نهادهای حکومتی و سیاسی، وابسته می‌داند)، یافته‌های این پژوهش بیشتر منطبق با استدلال به کار رفته در آثار ادواردز و فولی (۱۹۹۷) است که در آن از دموکراسی به عنوان «نهادینه‌سازی بی‌اعتمادی» تعبیر می‌شود. بر اساس این دیدگاه در جوامع بزرگ و پیچیده که اکثر شهروندان آن غریبه هستند، دلیل چندانی برای اعتماد به نخبگان، مقامات حکومتی، یا غریبه‌ها وجود ندارد، مگر این‌که راهکارهای نهادینه‌ای وجود داشته باشد که مانع از سیاست‌ها یا اقداماتی شود که هر فردی را با خطر مواجه می‌سازد؛ تنها در این صورت می‌توان اعتمادی موقت ایجاد کرد.

نهایتاً باید یادآور شد که این پژوهش رویکرد خاصی به سرمایه اجتماعی را برگزیده است که آن را سرمایه‌ای مفید به شکل کالایی عمومی که تسهیل‌گر و مولد عمل جمعی و ملات جامعه مدنی است می‌داند. بدیهی است که این تنها رویکرد به سرمایه اجتماعی

نیست. حداقل دو رویکرد دیگر به سرمایه اجتماعی را می‌توان برشمرد که کلیه انتقاداتی که از منظر آن‌ها به رویکرد این پژوهش وارد می‌شود را باید مورد توجه قرار داد. در یکی از این رویکردها که دیدگاهی انتقادی به سرمایه اجتماعی و کل جامعه دارد اصولاً هر شکل سرمایه می‌تواند در خدمت بازتولید وضع نامطلوب موجود قرار گرفته و در راستای تضادهای موجود در جامعه عمل کند. در این رویکرد، سرمایه اجتماعی فقط در حوزه جامعه مدنی مفهوم‌سازی نمی‌شود و عملکرد این سرمایه را بسته به چگونگی سازماندهی جامعه با معیار عدالت قابل بررسی می‌دانند. رویکرد دیگر، دیدگاهی محافظه‌کارانه به سرمایه اجتماعی است که آن را کالایی خصوصی و دارای کارکردهای مثبت و منفی می‌داند. این رویکرد نیز مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی با اعمال جمعی و خیر عمومی را از منظری دیگر با دیده تردید می‌نگرد.

- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰)، *دمکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)*، (ترجمه محدثی دلفروز)، تهران، نشر روزنامه سلام.
- تاجبخش، کیان؛ ثقفی، مراد و کوهستانی، مسعود. (۱۳۸۲)، *بررسی مقدماتی کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تحلیل وضعیت تامین اجتماعی در ایران*، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، گزارش شماره ۱۰۷.
- خاندوری، سید احسان. (۱۳۸۳)، *اندیشه‌های اقتصادی بر محور سرمایه اجتماعی*، راهبرد، شماره ۳۳، پاییز.
- دلاور، علی. (۱۳۸۰)، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران، انتشارات رشد.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۰)، *اخلاق شهروندی: رابطه هویت‌یابی جمعی و ارزش‌های دیگرخواهانه*، نامه انجمن جامعه‌شناسی (۳)، ویژه مقالات همایش مسائل اجتماعی ایران.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۱)، *گذر به بزرگسالی و جوانی رو به تغییر*، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۲)، *جوانان شهروندی و ادغام اجتماعی*، فصلنامه مطالعات جوانان ۳ و ۴، تابستان و پاییز.
- شارع‌پور، محمد. (۱۳۸۰)، *فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن*، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، سال اول شماره ۳.
- متوسلی، محمود و بی‌نیاز، علی. (۱۳۸۲)، *رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران*، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۵.
- یوسفی، علی. (۱۳۸۰)، *طبقه‌بندی اجتماعی اقوام ایران (تحلیل ثانویه یک تحقیق قومی)*، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹.
- Ardener, S. (1964), **The Comparative Study of Rotting Credit Associations**. Journal of the Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland, No.94.
- Axelord, R. (1984), **The Evolution of Cooperation**. New York, Basic Books.
- Banfield, E.C. (1958), **The Moral Basis of a Back ward Society**, Chicago, The Free Press.
- Battes, R.H. (1988), **Contra Contractarianism: Some Reflections on the**

- New Institutionalism**, Politics and Society 16.
- Batts, R.H. (1992), **Social Dilemmas and Rational Individuals: An Essay on the New Institutionalism**, Duke University.
 - Besley, T.; Coate, S. Loury, G. (1992), **The Economic of Rotating Saving and Credit Associations**, American Economic Review.
 - Billiet, J. & Cambre, B. (1999), **Social Capital, Active Membership in Voluntary Associations and Some Aspects of Political Participation**, in J.W. Van Deth et al. (ed), **Social Capital and European Democracy**, London, Routledge.
 - Brehm, J. & Rohn, W. (1997), "Individual- Level Evidence for the Causes and Consequences of Social Capital", American Journal of Political Science, Vol (41), No.3.
 - Dekker, P.; Koopmans, R. Van Den Brok, A. (1997), **Voluntary Association, Social Movements and Individual Political Behavior in Western Europe**, in J.W Van Deth (ed), **Private Groups and Public Life**, London, Routledge.
 - De Hart, J. & Dekker, P. (1999), **Civic engagement and Volunteering in the Netherlands**, in J.W. Van deth, et al.(ed), **Social Capital and European Democracy** , London, Routledge.
 - Edwards, B & Foley , M.W. (Eds.), (1997), **Social Capital , Civil Society and Contemporary democracy**, American Behavioral Scientist , 40 (5).
 - Fundenberg. D. & Maskin, A. (1986), **A Folk-Theorem in Repeated Game with Discounting and with Incomplete Information**, Econometrica, 54.
 - Furlong, A. & Cartmel, F.(1997), **Young People and Social Change**, Buckingham: Open University Press.
 - Galper, J. (2000), "An Exploration of Social Capital, Giving and Volunteering and the United state County Level, [On-line], Available at <<http://www.urban.org/cnp/galper/galper.pdf>>.
 - Geertz , G. (1962), **The Rottating Credit Association: A Middle Rung in Development**, Economic Development and Cultural Change, 10, April.
 - Hodgkinson, V.A. & Weitzman, M.B. (1992), **Giving and Volunteering in**

- the United States: Finding from a National Survey**, Washington DC, Independent Sector.
- Hooghe, M. & Derks, A. (1997), **Voluntary Associations and the Creation of Social Capital: the Involvement Effect of Participation**” paper presentation at the European consortium for political research joint session, February/March Bern.
 - Mahoney, J. & Pechura, C.M. (1980), **Values and Volunteers: Axiology of Altruism in a Crisis Center**, Psychological Reports, 47.
 - Norrise, P. (2001), **Making Democracies Work: Social and Civic Engagement in 47 Societies**, EST/EURESCO Conference, On social capital. Exter University, 15-20 September.
 - Ostrom, E. (1990), **Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action**, Cambridge (UK), Cambridge University Press.
 - Putnam, R.D. (1993a), **The Prospect Community: Social Capital and Public Life**, American Prospect, Spring.
 - Putnam, R.D. (1993b), **“Making Democracy Work**, Princeton Press (with Raffaella Nanetti and Robert Leonardi).
 - Putnam, R.D. (1995), **Bowling Alone: America’s Declining Social Capital**, Journal of Democracy.
 - Putnam. R. (2000), **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, New York, Simon & Schuster.
 - Putnam, R.D. (2001), **Community-based Social Capital and Educational performance**, in Ravitch, Dian & Viteritte, Joseph. (ed), **Making Good Citizens: Education and civil Society**, New Haven CT, Yale University Press.
 - Putnam, R.D. (2002), **Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in contemporary Society**. Oxford University Press.
 - Putnam, R.D. (2003), **Better Together: Restoring the American Community**, Simon & Schuster.

- Stone, W. & Hughes. J. (2000), '**What Role for Social Capital in Family Policy?**', Family Matters, no. 56, available at <<http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/fm2000/fm56.html>>
- Stone, W. (2001), **Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life**, Research Paper No. 24, Australian Institute of Family Studies, Melbourne, available at <<http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone.html>>.
- Stone, W. & Hughes. J. (2002a), **Social Capital: Empirical Meaning and Measurement Validity**, Research Paper 27, Australian Institute of Family Studies, Melbourne, available at <<http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone2.html>>.
- Stone, W. & Hughes, J. (2002b), **Measuring Social Capital: Towards a Standardized Approach**, Australian Institute of Family Studies, paper presented at the AESI Conference, Wollongong, Australia, available at <www.aes.asn.au>.
- Sugden, R. (1986), **The Economics of Rights, Co-operation and Welfare**, Oxford: Basil Black well.
- Taylor, (1977), **Anarchy and Cooperation**, London, willy.
- Tocqueville, A. de. (1945(1840)), **Democracy in America**, Vol (2). (trans) Henry Reeve, New york, Alfred A. Knopf.
- Tocqueville, A.de. (1969), **Democracy in America**, (ed) J. P. Mager, (trans) G. Lawrence, Graden City, Anchor Books.
- Uphoff, N.(1993), **Grassroots Orgnization and NGOs in Rural Development: Opprtunities with Diminishing State and Expanding Markets**, World Development, 21 (4).
- Uslaner, E.M. (1999), **TRUST BUT VERIFY: Social Capital and Moral Behavior**, Social Science.
- Uslaner, E.M. (2001), **Volunteering and Social Capital** in, Dekker, P.& Uslane, E. (eds.), **Social Capital and Participation in Everyday Life**, London, Routledge.
- Van Til, J. (1988), **Mapping the Third Sector : Voluntarism in a**

- Changing Social Economy**, New York, The Foundation Center.
- Verba, S.; Schlozman, K.L.; Brady, H. (1995), **Vice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics**, Cambridge, MA, Harvard University Press.
 - Walzer, M. (1980), **Civility and Civic Virtue in Contemporary America**, New York, Basic book.
 - Wuthnow, R. (1990), **Religion and the Voluntary Spirit in the United states**.
 - Wuthnow, R. (ed), (1991), **Between State and Markets. The Voluntary Sector in Comparative Perspective**, Princeton, NJ, Princeton University Press.